

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشت تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم وير زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نورالله وثوق
۷ اپریل ۲۰۰۹

بلوار دلها

شرم حضور

نشستی شورشی بر پا نکردی
به رقص شعله ای پر وا نکردی
دلا شرم حضور تو کجا شد
که از پروانه ها پروا نکردی

ساغر باور

لبي از جام شادي تر نينيم
صفا در ساغر باور نينيم
ره آورد بهاران را درين باغ
به غير از غنچه پرپر نينيم

کوه بابا

اگر خرداد اگر اردیبهشت است
به چشم ما بهاران وه چه زشت است
چه سیلابی که اینجـا کوه بابا
پی ویرانی دلها سرشت است

گروگان

اسیر کوه و دشت دیگرانیم
ز رنج نامرادی ناتوانیم
بهار ما گروگان کسان است
از آن آواره دست خزانیم

رهگذر

بهـاري در ديار ما نمـانده
گلي در رهگذـار ما نمـانده
چنان پاييز ما را كرده غارت
كه نامي از بهـار ما نمـانده

ده مرده

سخن در بزم دل بي پرده گويم
بسان گوهر پرورده گويم
سرسبز وفا هم سنگ دار است
كه من حلاجـم و ده مرده گويم

سنگر ابليس

نم غم ديده ها را كيس كرده
دل درد آشنا را خيس كرده
ز تلبيش كسي افرشته ها را
اسير سنگـر ابليس كرده

بوي دود

نگاهم را درين گلخن چه سود است
كه اينجا هر چه بيني بوي دود است
چنان سيلبي به روي بـيـاد خورده
كه رنگ چهره نازش كبود است

درنگ

بهاران رقص رنگ تو كجا شد
نگاه شوخ و شنگ تو كجا شد
نگيري از چه رو دست دلم را
كجا رفتي درنگ تو كجا شد

درخت خنده

اگر هم فـكـر جريان بهاريم
درخت خنده را گر برگ و باريم
چرا كابوس خواب غنچه هاييم
چرا بر جان رويـا ها شراريم

بوي پرواز

دلم را محرم رازي نيامد
نگاهم را هماوازي نيامد
مگر اندیشه را بال و پري نيست
ز جايي بوي پروازي نيامد

فصل آمال

بهاري را پر و بالي نگشتيم
پر پرواز اقبالي نگشتيم
اگر چه از گل و سوسن سروديم
زبان فصل آمايي نگشتيم

صدای سبز

بيا تا تخم رویايي بکاريم
به کنج سینه دریايي بکاريم
بيا در دشت شبهاي خموشي
صدای سبز فردايي بکاريم

بلوار دلها

بيا تا باغ تا گلشن بکاريم
بيا تا نرگس و سوسن بکاريم
ازان ترسم که در بلوار دلها
دوباره ریشه آهن بکاريم
